

# ویژگی‌هایی حکمران اسلامی با تکیه بر آیات قرآن و سبک زندگی امام رضا علیه السلام

□ عبدالمؤمن امینی \*

## چکیده

ویژگی‌هایی حکمران اسلامی با تکیه بر معارف رضوی از مباحث مهم در حوزه سبک زندگی اسلامی در نظام دینی محسوب می‌شود. این پژوهش با استفاده از منابع دسته‌اول و روش توصیفی و تحلیلی، ویژگی‌هایی حکمران اسلامی را با استناد به سبک زندگی امام رضا علیه السلام مورد بررسی قرار داده است. امام علیه السلام عدالت، صداقت و وفای به عهد را از ویژگی‌هایی مهم برای حکمران اسلامی دانسته و وجود آن را در راستای ترویج عدالت و اعتماد مردم به نظام دینی و آسایش عموم مردم، امر لازم بر شمرده است. در اندیشه رضوی، حکمران اسلامی به ستون خیمه تشبیه شده است که وی، با عمل به عهد خویش با مردم و هم نشینی با محرومان، نقش اساسی در شکل دهی سبک زندگی اسلامی، ایفا می‌کند. امام علیه السلام کمک به مستمندان را، تکلیف الهی برای حکمران اسلامی توصیف نموده و انسان را در اختیار نحوه سبک زندگی در جامعه آزاد دانسته و هم‌کاری با دستگاه حکمران جائر را، در صورتی که همراه با یاری رساندن به قشر رنج دیده باشد، بلا مانع دانسته و به حکمران اسلامی، فرمان داده است که سبک زندگی بدون آرایش و هم سطح با زندگی افراد مستمند اختیار نمایند.

واژگان کلیدی: امام رضا، حکمران اسلامی، معارف، سبک، زندگی و ویژگی‌ها.

\* دکترای تخصصی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب.

## مقدمه

دین اسلام که آیین جامع و حاوی احکام سیاسی و اجتماعی بوده و تأسیس حکومت از آموزه‌های مهم اسلامی است و ریشه در وحی و نصوص دینی دارد. ماهیت و کیفیت بخش معظمی از احکام فقهی اسلام را، مسائل سیاسی و اجتماعی تشکیل داده و عمل به این نوع از احکام که در قالب « فقه الحکومه » در نصوص روایی و منابع فقهی اسلام مطرح است، بدون تأسیس حکومت و حکمران اسلامی قابل اجرا نیست. وجود نظام سیاسی و دینی از نگاه اسلام، بستر مناسب برای اجرای معارف دینی و احکام اسلامی بوده و از مؤمنان به عنوان انسان‌های دین‌دار و شهروندان اسلامی در خواست می‌کند که از باب تکلیف شرعی و به منظور ایجاد عدالت اجتماعی، به تشکیل حکومت دینی، همت گماشته و از حکمران اسلامی اطاعت نمایند.

در اندیشه سیاسی اسلام، حکمران اسلامی، مهم‌ترین مؤلفه و رکن نظام دینی بوده و از جمله وظایف مهم دینی و اجتماعی او، برپایی احکام اسلام، اجرای حدود الهی و رعایت سبک زندگی اسلامی در جامعه است؛ از این رو، مقام خطیر رهبری و حکومت در اسلام، شرایط و ویژگی‌هایی دارد و حکمران اسلامی که سکان جامعه بزرگ اسلامی را می‌خواهد عهده دار شود، با اذعان و التزام به مبانی ارزشی و اعتقادی اسلام، متصدی اداره امر امت گردیده و حکومت را که ناشی از آراء و اراده ملت است، امانتی بداند که خداوند آن را بر مردم اعطا نموده و این امانت و حق اعطایی الهی از جانب مردم در دست وی، سپرده شده است. حکمران اسلامی که به تصدی اداره امت، مبادرت می‌ورزد، از وظایف و اختیاراتی برخوردار است و با احراز مقام خطیر رهبری و حاکمیت اسلامی، بایسته است که دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی منحصر به فردی باشد که به این امانت محوله از طرف امت، خیانت نورزیده و با تبعیت از احکام دین و رعایت حقوق مردم و متناسب با اهداف متعالی اسلام و مصالح اهل امانت، به ترویج معارف دین و سبک زندگی اسلامی، تلاش نماید.

با توجه به مطلب یاد شده، حاکمیت معارف الهی، اجرای عدالت اجتماعی، صیانت از حقوق افراد، تدبیر امور کلان اجتماعی و رفع معضلات احتمالی امت، مستلزم به وجود

حکمران اسلامی و خردمندی است که وی، با درک عمیق دینی و بینش سیاسی و اسلامی همراه با شرایط و ویژگی‌هایی علمی، جسمی و اخلاقی به تصدی حاکمیت دین و اداره امور امت بپردازد. نگارنده در نوشتار حاضر بر آن است که اوصاف و ویژگی‌هایی حکمران اسلامی را با تکیه و استناد به سخنان امام رضا علیه السلام و سبک زندگی آن حضرت، مورد بررسی و تحلیل قرار داده و در قالب تحقیق علمی، ارائه نماید.

## مفهوم شناسی موضوع

آشنایی با مفاهیم الفاظ کلیدی موضوع پژوهش از مباحث مهم تحقیق بوده و لازم است که پیش از ورود به اصل بحث به بیان معانی واژگان به کار رفته در عنوان پژوهش پرداخته می‌شود.

### ۱. حکم

واژه حُکْم، مصدر «حکم» بوده و جمع آن احکام است و اهل لغت برای این لفظ دو معنا ذکر نموده‌اند؛ برخی از لغت‌شناسان مانند جوهری، فیروز آبادی، لفظ حکم را به معنای قضاوت و داوری تفسیر نموده‌اند؛ (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۱؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۱۳۶) اما ابن فارس و راغب اصفهانی، این واژه را به معنای منع تفسیر نموده و معقدند که این لفظ در اصل برای ممانعت و جلوگیری از فساد وضع شده است و هنگامی که در عربی گفته می‌شود «احکمت» مراد، همان «منعت و رد دت» است و یا در جمله «احکم الیتیم کما تحکم ولدک» چنین معنا می‌شود که یتیم را از فساد و باطل بازداشته و همانطور که فرزند خودت را از فساد باز می‌دارد؛ بر این اساس، به شخص قاضی، حاکم اطلاق می‌شود به دلیل این که او مردم را از ستم کاری منع نموده و جلوگیری می‌کند. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۹۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۶) و در مواردی نیز این واژه، به معنای علم نیز به کار رفته است و چنان که در باره حضرت یحیی علیه السلام در قرآن آمده است «و آتیناه الحکم صبیبا»، (مریم/ ۱۲) ما در کودکی به حضرت یحیی علیه السلام علم و شناخت احکام را عطا کردیم.

واژه حکم در اصطلاح فقهاء دارای معانی متعدد چون خطاب شرعی، (مکی عاملی، تا، ج ۱، ص ۳۹) ایجاد و وادار کردن مکلف به عملی، (محقق نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۱) اعتبار نفسانی از

جانب مولی بوده (محمد کاظم یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰) و یا آنچه در مورد عمل انسان در قالب اقتضای وجوب، حرمت، کراهت و استحباب و احیانا اباحه جعل شده است، که بعضا در قالب اقتضا و یا تخییر به فعل مکلف تعلق گرفته است و بعضا در کلمات فقهاء، مراد از اقتضاء، همان وجوب، حرمت و کراهت است و از لفظ تخییر حکم اباحه اراده شده است. شهید صدر، تفسیر شهید اول از واژه حکم را مورد نقد قرار داده و بر آن است که خطاب شرع حکم نبوده و بلکه کاشف از حکم است؛ حکم شرع، جعل صادر شده از طرف خداوند برای ساماندهی زندگی بشر است؛ (شهید صدر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۵) بر این اساس، خطاب حکم نبوده و بلکه وسیله برای اظهار حکم است.

## ۲. حکمرانی

واژه حکمرانی از دو بخش « حکم » و « راندن » تشکیل شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۹۶) و جمع آن احکام بوده و اهل لغت، لفظ حکم را که مصدر بوده و از ماده « حکم » است به معنای قضاوت، داوری، فرمان، قاعده، مقررات، نظام و قانون تفسیر نموده‌اند. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۰۱؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۱۳۶) و لفظ راندن به معنای اجرا، اعمال قدرت، اداره و هدایت بوده و معادل مناسب واژه حکمرانی در زبان انگلیسی لفظ « Governance » است. اصطلاح حکمرانی از واژگان یونانی کیرنتس « kybernetes » و کیرنان « kybernenan » اخذ گردیده است که از آن می توان به رفتار و شیوه حکم روایی و اداره نمودن جامعه تعبیر کرد و به معنای هدایت نمودن و راهنمایی کردن و به چگونگی اداره، تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حاکمان و پاسخ گو بودن در حوزه سیاست گذاری کلان و اجرای آن اطلاق می شود. (نقیی مفرد، ۱۳۸۹، ص ۷۰؛ امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶) ماهیت حکمرانی متعالی به روابط اجزای درون حکومت و بخش هایی غیر حکومتی اشاره دارد و بر داشتن نفوذ و اعمال قدرت در مجموعه هایی اداری و اجتماعی، دلالت می کند؛ بر این اساس، حکمرانی سالم اسلامی در جهان معاصر، در مقام نفی مدل های مختلفی از شیوه های اجرای حکمرانی و پاسخ گویی به تفکرات مکاتب فکری و سیاسی

رقیب و در راستای احتراز از آزمون‌های ناصواب و باطل، چاره‌ای جز تشکیل حاکمیت مبتنی بر معارف سیاسی و سبک زندگی و حیانی، نیست و الگوی حکمرانی متعالی، حاکمیت‌را، تنها از آن بندگان صالح خداوند می‌داند که مطابق تعالیم آسمانی قرآن و اراده توده‌های مردم در جامعه اسلامی شکل می‌گیرد.

### ۳. سبک زندگی

واژه «سبک» در لغت دارای معانی فلز ذوب شده، طرز، روش و شیوه بوده و نیز به مفهوم روش خاص برای بیان ادراک و احساسات نویسنده، اطلاق شده است. ((معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۵۶)) و معادل آن در زبان عربی واژه «اسلوب» است که جمع آن اسالیب بوده و به معنای طریقه و شیوه به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ۴۷۳) برخی دیگر از اهل لغت، لفظ سبک را به فکر و معنا و صورت و شکل تفسیر نموده و بر آن است که هر موضوع و فکری، نیازمند شکل و قالب است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴۱۲). دقت در موارد کاربرد لفظ سبک، نشان می‌دهد که این لفظ با دو واژه طرز و شیوه، دارای مفهوم واحد بوده و به معنای شیوه زیستن به کار می‌رود.

واژه زندگی نیز دارای مفهوم انتزاعی بوده و و از معقولات ثانیه فلسفی است که عقل آن را از فرآیند جاری در حیات انسان انتزاع نموده و مصداق این معنای انتزاعی، امری است که صرف نظر از اعتبار ذهنی آن، در خارج در حال جریان است (محمدی احمد آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۰). ترکیب واژه «سبک» همراه با «زندگی» از جمله مفاهیم نوین است که به سرعت مورد استقبال پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی قرار گرفته است. (خادمیان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳) و در زبان فارسی، به صورت غالب در سبک‌شناسی ادبی و هنری کاربرد داشته و به معنای طرز خاصی از نظم و نثر است که با روش دیگران متفاوت است و نویسندگان به وسیله آن، احساسات و ادراک خویش را ابراز داشته و برای بیان اندیشه‌ی خویش به کار می‌گیرند و به تدریج در دیگر حوزه‌های علوم اسلامی نیز اطلاق شده است.

سبک زندگی در حوزه معارف دینی، ناظر به آموزه‌هایی است که متن زندگی انسان را شکل

داده و به معنای اصول و الگوهای حاکم در زندگی افراد است که گستره وسیع از رفتار انسان با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را شامل می‌شود. سبک زندگی که همان شیوه زیستن است با مفهوم عقل معاش یکسان بوده و کارکرد این مرتبه‌ی از عقل در راستای چگونگی تدبیر زندگی (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۴) چاره‌اندیشی در خصوص رفع مشکلات آن، تلاش برای هماهنگی و عمل به احکام الهی، در سامان‌دهی زندگی مناسب و مطلوب قرار دارد و تا انسان را به حیات طیبه و زندگی مؤمنانه، رهنمون نماید.

با عنایت به شناخت مفهوم سبک زندگی، هنگامی که سخن از سبک زندگی امام رضا علیه السلام به میان می‌آید، در واقع در پی آشنایی با سبک و اسلوب زندگی و دیدگاه آن حضرت در موضوع حکمران اسلامی و ویژگی‌های آن هستیم؛ و باید دید که سبک و روش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در معاشرت با حکمران اسلامی و رفتار آن حضرت با مخالفان فکری و اعتقادی چگونه بوده و سبک رهبری و مدیریت امام علیه السلام در جامعه اسلامی بر چه روش و اسلوبی استوار بوده است. در ادامه این قسمت از نوشتار، به بیان ویژگی‌های حکمران اسلامی به قرار زیر، پرداخته می‌شود.

### ویژگی‌های حکمران اسلامی

در همه‌ی نظام‌های سیاسی حاکم در جهان، رجال سیاسی و مدیران ارشد در حوزه علوم سیاسی برای مناصب انتخابی و انتصابی، شرایط و ویژگی‌هایی را لحاظ می‌کنند که با مبانی اعتقادی و ارزشی آن‌ها، همخوانی داشته باشد؛ و نظام سیاسی و حکومت در اسلام نیز از این قاعده عقلائی مستثنی نبوده و در اندیشه نظام سیاسی اسلامی و سیره پیشوایان دین و به ویژه امام رضا علیه السلام نیز متناسب با اهداف و وظایفی که حکومت اسلامی در اداره جامعه اسلامی دارد، ویژگی‌هایی را برای سلطان و حکمران اسلامی در نظر گرفته است که به برخی از این ویژگی‌ها با استناد به سبک زندگی و سخنان آن حضرت، بیان می‌شود.

#### ۱. عدالت

واژه «عدالت» از ریشه عدل بوده و در لغت نقیض «ظلم» است و به معنای رعایت تساوی

و حد متوسط بین افراط و تفریط، حکم نمودن به حق، نفی هرگونه تبعیض و قراردادن چیزی در محل لایق و مناسب است. (فراهیدی، بی تا، ج ۱، ص ۹۳) و «عدالت» در اصطلاح شرع، به معنای ملکه و نیرویی است که سبب می‌شود انسان واجبات الاهی را انجام داده و از محرّمات و گناهان دوری نماید. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۲) عدالت از مفاهیم مهم و مقدس اسلامی بوده و جزء آرمان‌های بنیادی جوامع اسلامی است. علامه طباطبایی، این لفظ را به معنای اعتدال معنا نموده و اظهار داشته است که «إن للعدالة و هی الاعتدال و التوسط بین النمطین العالی و الدانی، و الجانبین» عدالت به مفهوم اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی بوده و به میانه و بین دو طرف افراط و تفریط اطلاق می‌شود. (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۱۲) علامه، معتقد است که این معنای از عدالت، مفهوم اصلی و دقیق آن نبوده و این تفسیر نمودن لفظ عدالت به لازمه معنای اصلی عدالت است. این اندیشمند نامدار، معنای اصلی این واژه را به اقامه مساوات و عدم تعدی به حقوق دیگران تفسیر نموده و تصریح دارد که «فإن حقيقة العدل هی إقامة المساواة و الموازنة بین الأمور بأن يعطى كل من السهم ما ينبغي أن يعطاه فيساوی فی أن کلا منها واقع موضعه الذی يستحقه»، (همان، ج ۱۲، ص ۱۷۱) معنای حقیقی عدالت، اقامه مساوات میان امور بوده و به این‌که به هر امری آنچه لایق و سزاوار اوست داده شود تا در میان همه‌ی امور حالت تساوی حاکم و برقرار شود. از دقت در زوایایی سخنان علامه، استفاده می‌شود که وی، عدالت را به معنای اجرای مساوات، میان همه‌ی امور دانسته و این مفهوم از عدالت را، در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی و اعتقادات توضیح داده و قابل تطبیق دانسته و بر آن است که عدالت در حوزه رفتار فردی بدین معناست که وجود این حالت و نیروی در انسان، زمینه‌ای سعادت‌مندی او را فراهم نماید و عدالت در عرصه عقیده و باور، این است که به آنچه حق است انسان ایمان بیاورد و عدالت در مسائل اجتماعی و سیاسی، این است که هرکسی را به حکم عقل و شرع، در انتخاب مناصب سیاسی که مستحق آن است قراردادده شود و به شخص نیکوکار احسان نموده و بدکار را بر اثر کردار بدش عقاب نموده و حق مظلوم از ظالم گرفته شود.

عدالت در اصطلاح فقیهان، قید احترازی بوده و به معنای ملکه و کیفیت راسخه در نفس

است که ملازم با مروت و تقوا بوده و آدمی را از ارتکاب ظلم و گناه کبیره باز می‌دارد. (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۴۶۳) برخی دیگری از فقهاء، عدالت را، نفس اعمال خارجی می‌دانند که ناشی از ملکه نفسانی باشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۲، ص ۹۴)؛ اما وی، در برخی از آثار دیگرش، عدالت را به مفهوم اسلام و عدم ظهور فسق در خارج تفسیر نموده است (همو، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۲۱۷)؛ و مطابق این رویکرد، ماهیت این لفظ، بدین معناست که حکمرانی که مسلمان باشد، فسق و ظلم از او در خارج ظاهر نشده و حکم به عدالت او می‌شود؛ از این رو، عدالت ویژگی مهم برای حکمران اسلامی است و به دلیل داشتن اختیارات وسیع قانونی، اگر واجد صفت عدالت نباشد، موجب آسیب رسانی به مصالح و منافع امت اسلامی گردیده و زمینه ظلم و فساد را در جامعه فراهم نموده و مستلزم سلب و نابودی حقوق شهروندان در جامعه می‌شود.

صفت عدالت از ویژگی‌هایی ممتاز حکمران اسلامی بوده و حسین بن سعید، به نقل از یاسر، خادم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آورده است که آن حضرت، علت ذلت و فروپاشی دولت‌های اسلامی را، نبود ویژگی عدالت در حکمران اسلامی و عدم رعایت آن در جامعه اسلامی دانسته و می‌فرماید: «و اذا جار السلطان هانت الدولة»، (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۰۰) هرگاه حکمران و سلطان، ستمی بر مردم روا داشته و در نظام اسلامی عدالت حاکم نباشد، ظلم و بیداد موجب وهن و ذلت حکومت شده و فرو می‌پاشد.

در روایت دیگر از امام رضا علیه السلام رسیده است که آن حضرت، در حضور متکلمان، شیعیان و اندیشمندان کوفه و به ویژه رأس‌الجالوت، عالم یهودی، به بیان صفت عدالت، به عنوان یک ویژگی برای امام و حکمران اسلامی، پرداخته است و وجود عدالت در کلام امام علیه السلام ظهور به عدالت اجتماعی و حقوق عمومی دارد. (اربلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲) آن حضرت، عدالت اجتماعی را، شرط لازم برای حکمران اسلامی دانسته و در پاسخ به شبهه جمعی از صوفیه که آنان معتقد بودند، پیشوای امت اسلامی بایسته است که لباس خشن برتن نموده و غذای ناگوار تناول نماید! فرمود: حضرت یوسف علیه السلام که پیامبر خدا بود لباس‌های نرم و زیبابوشیده و بر متکای خاندان فرعون تکیه زده و حکمرانی داشت؛ و سپس در ادامه به بیان صفت عدالت به عنوان مهم‌ترین ویژگی برای حکمران اسلامی اشاره نموده و فرمودند: «... و یحکم إنما یراد

من الإمام قسطه و عدله إذا قال، صدق و إذا حکم عدل...» (همان، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲) حکمران لایق و شایسته به آن نیست که شما گمان دارید و بلکه تنها از امام و حکمران اسلامی، خواسته می‌شود که به عدالت و قسط در میان امت رفتار نماید و هنگامی که سخن می‌گوید، راست گو بوده و هنگام صدور حکم عدالت را رعایت کند و خداوند، بر کسی لباس و غذا را حرام نکرده است.

خداوند، وجود صفت عدالت را برای حکمران اسلامی ضروری دانسته و به عدالت ورزی و اقامه آن، در میان مردم دستور داده و می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ.» (نساء/۵۸) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری نمایید. حضرت رضا علیه السلام ویژگی عدالت برای حکمران اسلامی، ضروری دانسته و یاسر خادم آن حضرت، آورده است که «روزی مأمون خلیفه عباسی، خدمت امام رضا علیه السلام رفت و با خود نامه بزرگی به همراه داشت؛ وی در حضور امام علیه السلام نشست و نامه را برای آن حضرت، خواند که محتوای آن در مورد فتح برخی از روستاها و نواحی کابل بوده است. هنگامی که خواندن نامه به پایان رسید، امام علیه السلام خطاب به مأمون فرمود: «یا امیر المؤمنین اتق الله فی امة محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ما ولاك الله من هذا الامر و خصك به فانك قد ضيعت امور المسلمين و فوضت ذلك إلى غیرك یحکم فیهم بغير حکم الله»، (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۴) ای امیر مؤمنان - تعبیر امیر المؤمنین از جانب امام رضا علیه السلام نسبت به مأمون، بیانگر مظلومیت آن حضرت و به ناچاری امام علیه السلام در کاربرد این لقب دلالت دارد - در خصوص امت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در حکومتی که خدا به تو داده و تو را برگزیده است، به عدالت رفتار کن و پرهیزکار باش و تو امور مسلمانان را ضایع ساخته و آن را به غیر خود سپرده‌ای که در آنان به غیر حکم الاهی، حکمرانی می‌کند.

براساس این حدیث نورانی، امام رضا علیه السلام با اشاره و به صورت کنایه، مأمون را مورد توییح قرارداد و بر آن است که فتوحات و کشورگشایی و افزودن بر قلمرو جغرافیایی کشور اسلامی، بدون این‌که جوهر دین و تعالیم اسلام در جامعه پیاده شود و عدالت اجتماعی در میان آحاد ملت، رعایت نگردد، در اسلام ارزش و جایگاهی ندارد؛ امام علیه السلام وظیفه اصلی مأمون را به

عنوان حکمران اسلامی، ترویج عدالت اجتماعی و بر آورده سازی خواسته‌های مردم و رفع نیازهای مادی و اقتصادی امت اسلامی، برشمرده و بر اجرای عدالت در جامعه تأکید ورزیده است؛ و افزون بر آن، سفارش یاد شده در این حدیث، تنها برای شخص مأمون نبوده و با استناد به این کلام امام رضا علیه السلام می‌توان اظهار داشت که عدالت یکی از مهم‌ترین ویژگی حکمران اسلامی بوده و وظیفه او به عنوان حاکم کشور اسلامی، اجرای عدالت اجتماعی، در میان مردم است؛ بر این اساس، برپایی و اجرای عدالت در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی، همواره نکته مهم در اندیشه و سبک زندگی رضوی، محسوب می‌شود.

## ۲. صداقت و راست‌گویی

واژه « صداقت » از ریشه « صدق » بوده و به معنای گفتار و خبری است که مطابق با خارج و واقع باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۱۵) و به صورت مجاز و استعاره به اعتقاد، اراده و عزم نیز صدق، اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۸) و انسانی که رفتارش با اعتقاد او مطابق بوده و عملکرد او با اراده و تصمیمش سازگاری داشته باشد، شخص صادق و راست‌گو نامیده می‌شود. صداقت و راست‌گویی، از مهم‌ترین فضائل اخلاقی در اسلام بوده و بارزترین ویژگی پیامبران الهی علیهم السلام در دعوت مردم به سوی خداوند است؛ و در روایات اسلامی با تعبیر مختلف بر راست‌گویی مسلمانان تأکید شده و این خصیصه ممتاز و فطری از اصول ایمان و دین‌ورزی به حساب آمده است (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۸) راستی و صداقت در سخنان و منظومه معرفتی امام رضا علیه السلام از اهمیت والایی برخوردار بوده و آن حضرت در حدیثی، میزان سنجش دینداری در افراد و جامعه را چنین ترسیم نموده و می‌فرماید

لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم وكثرة الحج والمعروف وطننتهم بالليل،  
انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۶۹) به نماز و روزه بسیار آنان نگاه نکنید و به زیادی انجام حج و کارهای خیر و شب‌زنده داریشان منگرید و بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری آنان نگاه کنید.

صفت صداقت در حوزه معارف اجتماعی و سیاسی نیز دارای اهمیت بوده و توجه به این ویژگی در سبک زندگی امام رضا علیه السلام و در رفتار آن حضرت با حکمرانان اسلامی، مشهود بوده و

به آراسته بودن آنان، به این آموزه مهم دینی تأکید شده است. جعفر بن محمد بن قولویه از یاسر خادم امام رضا علیه السلام نقل نموده است که مأمون خلیفه عباسی از امام رضا علیه السلام در خواست نمود که نماز باران بخوانند و در این هنگام آن حضرت فرمود: «إِذَا كَذِبَ الْوَلَاءُ حُسَّ الْمَطَرُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۳۷۳) هرگاه حکمرانان دروغ بگویند، باران قطع شده و نمی‌بارد. امام علیه السلام با استفاده از فرصت به وجود آمده، به نکته‌ی مهم اشاره نموده که مربوط به حکمران اسلامی و سلطان می‌شود. امام رضا علیه السلام آثار سوء و شوم ظلم و رفتار بد حاکم نسبت به ملت را، دارای آثار زیانبار و شوم اجتماعی دانسته که به عموم مردم بر می‌گردد و به عموم ملت بر می‌گردد و نباریدن باران یکی از آثار سوء ظلم و فساد حکمران اسلامی، عدم نزولات آسمانی بوده و نباریدن باران، باعث فشار بر طبقه متوسط و ضعیف مردم شده و نظام معیشتی آنان دچار مشکل گردیده و مختل می‌شود؛ و این حکمران اسلامی است به مردم دروغ گفته و دست به بیدادگری زده و زمینه فقر و فشار اقتصادی را برای مردم، فراهم ساخته است.

امام رضا علیه السلام در حدیث دیگر، حکمران اسلامی را با داشتن ویژگی صداقت و راست‌گویی معرفی نموده و می‌فرماید

مَنْ عَامَلَ النَّاسَ ... وَحَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ ... فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَظَهَرَتْ  
عَدَالَتُهُ؛ (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۳۱) کسی که در رفتار با مردم، ستم نکند و در سخن گفتن،  
دروغ نگوید او از کسانی است که مروّتش کامل بوده و عدالتش آشکار است.

سخنان امام علیه السلام در باب تبیین صداقت، بیانگر این است که، دروغ‌گویی متولیان و حکمرانان اسلامی، در مجموعه نظام حاکم بر جهان و معیشت مردم، مؤثر بوده و باعث خشک‌سالی در عالم می‌شود؛ بر این اساس، در منظومه اندیشه رضوی و سبک زندگی امام رضا علیه السلام صداقت، یکی از ویژگی‌های حاکم اسلامی شمرده شده و برای حکومت‌داری و اداره جامعه اسلامی، لازم و بایسته است که حکمران آن، دارای صفت صداقت بوده و از این ویژگی ممتاز و ارزشمند انسانی و اسلامی برخوردار باشد و تا با اعمال قوانین اداری اسلامی، رفتار عادلانه و صداقت خویش، نیازهای مادی و اقتصادی محرومان را، برآورده ساخته و زمینه آسایش و آرامش را در میان عموم مردم، فراهم نماید.

### ۳. وفای به عهد

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم حکمران اسلامی، وفا به وعده‌هایی است که برای مردم می‌دهد. امام رضا علیه السلام وفای به عهد را سنت و سبک زندگی نبوی برشمرده و همواره حاکمان و دیگر مسلمانان را به وفای وعده‌ها سفارش نموده است. فضیل بن یسار به نقل از آن حضرت آورده است که آن حضرت می‌فرماید «إنا أهل بیت نری وعدنا علینا دینا، کما صنع رسول الله صلی الله علیه وآله؛ ما هل بیتی هستیم که وعده‌مان را بر خودمان دین دانسته و چنانکه رسول خدا صلی الله علیه وآله انجام می‌داد». (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۹۷) آن امام رئوف در یکی از فرازهای احادیث خویش به ضرورت وجود صفت وفای به وعده برای حکمران اسلامی اشاره نموده و می‌فرماید «... و وعدهم فلم یخلفهم...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۶۰) حکمران اسلامی که به مردم وعده می‌دهد خلف وعده نمی‌کند. امام علیه السلام با بیان این نوع از ویژگی‌ها برای زمامداران اسلامی، در واقع درس حکومت‌داری برای کارگزاران نظام سیاسی و دینی می‌دهد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در حدیث دیگر، وجود مدیر و حکمران اسلامی را برای اداره جامعه، لازم و ضروری دانسته و آن را به ستون خیمه تشبیه نموده و می‌فرماید:

إن والی المسلمین مثل العمود وسط الفسطاط، من أراده أخذ. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۵) همانا، حکمران و والی مسلمانان همچون ستون میان خیمه است و به گونه‌ای که هرکس و در هر زمان و از هر طرف که بخواهد و به او، نیاز پیدا کند به او دسترسی خواهد داشت.

این بخش از کلام امام رضا علیه السلام بیانگر این حقیقت است که حکمران اسلامی، با داشتن ویژگی‌هایی ممتاز و برجسته‌ای اسلامی در کنار محرومان است و با ظهور دشواری‌ها و مشکلات در زندگی ملت، پناه‌گاه آنان بوده و ملت برای برآورده شدن نیازهایشان به حکمران عادل، متعهد و دادگر، مراجعه نموده و چنین حکمران دلسوز و وفادار، لحظه از خدمت به خلق غفلت نورزیده و با رفتار عادلانه و وفای به عهد، در راه رفاه و آسایش ملت تلاش می‌کند.

## هم‌نشینی امام رضا علیه السلام با محرومان

سبک زندگی و سیره امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت، با محرومان و رنج دیدگان همزیستی داشته و در کنار آنان بوده است. امام علیه السلام با رفتار و سبک زندگی مؤمنانه‌ای خویش، امتیازات طبقاتی را از اساس واژگون نموده و روابط اجتماعی و اقتصادی عدوانی و ظالمانه را درهم کوبیده است. عبدالله بن صلت، از مردی از اهل بلخ، نقل نموده است که او گفت، در سفر خراسان در کنار امام رضا علیه السلام بودم، روزی سفره‌ای انداختند و غلامان سیاه و دیگران را برسر آن فراخواندند و آن حضرت، در کنار آنان نشسته و غذا خوردند؛ عرضه داشتم، ای کاش برای غلامان سفره‌ای جداگانه ترتیب می‌دادید، امام علیه السلام فرمود:

مه، إن الرب تبارك وتعالى واحد والام واحدة والاب واحد والجزء بالاعمال.  
کلینی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۱۸۲) خاموش باش، خدای همه یکی بوده و مادر و پدر همه یکی است و پاداش هرکس به رفتار و اعمال او بستگی دارد و پس تفاوتی در میان افراد بشر وجود ندارد.

امام رضا علیه السلام با تعالیم الهی و سبک زندگی اخلاقی و تربیتی خویش به حکمرانان اسلامی و دیگر کارگزاران نظام اسلامی آموخته است که هرکس در گام نخست در فکر ساختن خودش تلاش کند و با رفتار شایسته و تعهد به سخنان خویش با دیگران رابطه خوب برقرار نموده و خدمتگزار همه‌ی مردم باشد. امام علیه السلام در خراسان و در روز عرفه تمام اموال خودش را میان نیازمندان تقسیم نمود و در این هنگام، فضل بن سهل اظهار داشت که این سبک رفتار شما همراه با خسران است، امام رضا علیه السلام فرمود «لا تعدن مغرما ما اتبعتم به اجرا ومکرما» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۳۵) بلکه چنین کاری قرین با منفعت و غنیمت است و آنچه را که برای دستیابی به ثواب و پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیده‌ای آن را غرامت ندانسته و زیان مشمار.

همچنین در روایت دیگر، معمر بن خلاد آورده است، هنگامی که امام رضا علیه السلام غذا می‌خوردند، سینی را آورده و نزدیک سفره قرار می‌دادند، امام علیه السلام نخست به غذا نگر بسته و سپس از خوراکی‌ها مقداری را برداشته و در سینی می‌گذاشتند و دستور می‌دادند که سینی

غذارا به فقرا و بی‌نویان ببرند. امام علیه السلام غذایی را نمی‌توانند میل نمایند که محرومان و مستمندان از آن نخورده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۷۶) این سبک زندگی و سیره آن امام رئوف علیه السلام در رابطه با بینویان است که از محورهای اصولی در سبک زندگی آن حضرت محسوب می‌شود که انسان‌ها ارزش همانند دارند و باید خواسته‌های آنان برآورده شود. امام رضا علیه السلام در حدیث دیگر فرمودند: «**عونك للضعيف من أفضل الصدقة**» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۳، ص ۶) یاری رساندن تو به افراد ناتوان و ضعیف از دادن صدقه در راه خدا برتر است. کمک مؤمنانه و یاری به اقشام محروم و ضعیف در سبک زندگی امام رضا علیه السلام و آموزه‌های اسلامی یک اصل بوده و از اهمیت والایی برخوردار است. در اندیشه رضوی، افرادی در جامعه زندگی می‌کنند که بر اثر بیماری، سالخوردگی، حوادث طبیعی و یا پیش آمد جنگ و جهاد، دارای مشکل بوده و نیاز به هم‌کاری و مساعدت مالی دارند و بقای آنان در همان حال نگران کننده است و وظیفه حکمران اسلامی و نظام حاکم است که در کم‌ترین زمان ممکن زندگی آشفته آنان را سامان داده و خواسته‌های آنان را تأمین نمایند و تا از این اوضاع دلخراش‌رهایی یابند.

امام رضا علیه السلام در بخش دیگر از سخنانشان کمک به مستمندان را تکلیف الهی برای حکمران اسلامی و دیگر توانمندان در جامعه دینی دانسته و می‌فرماید «**لان الله تعالى كلف اهل الصحة القيام بشأن أهل الزمانة من البلوی**» (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۵) خداوند، حکمران اسلامی و افراد متمکن که قدرت و توانایی مالی در اختیار دارند، مکلف نموده است که امور زندگی بیماران و افراد از کار افتاده و مصیبت دیده را سامان داده و به آنان کمک کنند. در حدیث دیگر از امام رضا علیه السلام در خصوص سبک زندگی معنوی و ساده اسلامی نقل شده است که آن حضرت فرمود «**هرگاه زمام حکومت در اختیار من قرار گیرد، غذای ساده و کم ارزشتر نسبت به زمان حکمرانی خورده و لباس زبر و خشن پس از لباس‌های نرم بر تن خواهم کرده و با سختی و مشقت زندگی خواهم نمود.**» (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۶۱). در اندیشه رضوی و سبک زندگی امام رضا علیه السلام رسیدگی به اوضاع ملت امر لازم بوده و هرفردی از کارگزاران نظام اسلامی، با مردمان تحت قلمرو خویش برادر دینی است و از این نگاه باید با آنان در سبک زندگی اسلامی، حقوق و امکانات مادی و اقتصادی در یک سطح بوده و با برابری و برادری رفتار نمایند. (حکیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰).

## سبک زندگی امام رضا علیه السلام در خصوص همکاری با حکمران ستمگر

در اندیشه رضوی خدمت در دستگاه حکمران جائز در صورتی که همراه با کمک و یاری رساندن به قشر رنج دیده و گره‌گشایی از کار آنان باشد، مانعی شرعی ندارد؛ چنانکه علی بن ابراهیم نقل نموده است که حسین انباری یکی از پیران امام رضا علیه السلام گفته است که مدت چهارده سال با علی بن موسی الرضا علیه السلام مکاتبه داشتم و از آن حضرت در مورد هم‌کاری با نظام حکمران ستم‌گر و طاغوت اجازه خواستم، آن حضرت در پاسخ به سؤالم نوشته و فرمود:

قد فهمت کتابك وما ذكرت من الخوف على نفسك فإن كنت تعلم أنك إذا وليت عملت في عملك بما أمر به رسول الله صلى الله عليه واله ثم تصير أعوانك وكتابك أهل ملتك فإذا صار إليك شيء وأسيت به فقراء المؤمنين حتى تكون واحدا منهم كان ذابذا وإلا فلا (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۱۶۴)؛ نامه‌هایت را خواندم و از نگرانی که در این شغل داری آگاه شدم. اگر بدانی که هرگاه کاری در دستگاه نظام حاکم انجام می‌دهی که مطابق دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و همکاران و کاتبانی که از هم‌کیشان تو هستند و زمانی که مالی و امکانات مادی به دستت رسید، بخشی از آن را به آنان و دیگر محرومان مؤمن می‌دهی و تا بدان اندازه که خودت همانند یکی از آنان زندگی نمایی که اگر این نوع رفتار نموده و عمل کنی، کار تو در نظام حکمران طاغوت با کمک و همکاری نسبت به برادران دینی تو، ترمیم گردیده و این نوع هم‌کاری مشروط در نظام حکمران ستم‌گر مانعی ندارد و در غیر این صورت مشروع نبوده و نوعی اعانت به حکمران ظالم محسوب شده و جائز نیست.

## جایگاه آزادی اراده انسان در سبک زندگی امام رضا علیه السلام

یکی دیگر از محورهای سبک زندگی امام رضا علیه السلام که می‌توان از آن درسهایی مهم و ارزشمندی در زندگی آموخت، سخنان حکیمانه و رفتار همراه با رأفت و مهربانانه آن حضرت با مردم در حوزه اندیشه و عقاید افراد در قلمرو حکومت اسلامی است. امام علیه السلام به نقل از پدران و اجداد معصومش و از حضرت علی علیه السلام نقل نموده است که مسلمانان به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشتند که ای فرستاده الاهی اگر کسانی را که امروزه در قلمرو قدرت تو زندگی می‌کنند، در پذیرش

اسلام مجبور نماید، افراد و جمعیت مسلمانان زیاد شده و در برابر دشمنان با توان و قدرت بیشتر ظاهر خواهیم شد، پیامبر خدا ﷺ در پاسخ فرمودند « من هیچ‌گاه با انجام کاری که بدعت در آن بوده و در مورد آن دستوری از خداوند نرسیده است، اقدام نکرده و در حال انجام آن به دیدار خداوند نرفته و من از زورگویان نیستم. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۳۶). امام رضا علیه السلام مطابق این نقل، آزادی اراده و انتخاب افراد را در انتخاب دین و عقاید مورد توجه قرار داده و به نظر می‌رسد که آزادی و اختیار در اسلام از اهمیت والایی برخوردار است و نظام اعتقادی اسلام، انسان را موجود مختار دانسته است؛ از همین رو، افراد جامعه، در انتخاب دین و ایمان، آزاد بوده و با انتخاب شایسته و مناسب، به کمال مطلوب و حیات طیبه، دست می‌یابند؛ و اساساً، داشتن این نوع سبک زندگی، بیانگر عظمت و ارزش انسان در منظومه تعالیم اسلام و سخنان رضوی بوده و حقوق و کرامت او را در زندگی فردی و اجتماعی، ارج نهاده و به نمایش گذاشته است.

ریان بن شبیب، نیز نقل نموده است که از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم، خواهرم هنگام فوتش وصیت نموده است که مقداری از اموالش را برای گروهی از مسیحیان بدهم؛ اما من می‌خواهم آن را در میان گروهی از مسلمانان، تقسیم کنم. امام علیه السلام فرمود «امض الوصیة علی ما أوصت به» وصیت را به همان نحوی که گفته است اجرایی کن؛ زیرا خداوند متعال فرموده است «فإنما إثمہ علی الذین یبدلونہ» (بقره/۱۸۱) گناه آن برای کسانی است که وصیت را تغییر داده و مطابق آن عمل نمی‌کنند. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۳) مفاد سخن امام رضا علیه السلام نشانه نوعی سبک زندگی متعالی اسلامی و دلیل بر تکریم شخصیت انسان و نقش اراده او در انتخاب سبک زندگی اسلامی است. و افراد جامعه در قلمرو فرهنگ و حکومت اسلامی در حوزه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی از آزادی عقیده و عمل برخوردار است و سخنان و وصیت او، در زندگی، دارای اثر بوده و شریعت اسلام، انسان را در انتخاب سبک زندگی آزادی گذاشته و عمل به وصیت فرد را، واجب دانسته و باید مطابق آن ترتیب اثر داده شود.

## نتیجه

آموزه‌ای ویژگی‌هایی حکمران اسلامی با تمرکز به معارف و سبک زندگی امام رضا علیه السلام از مباحث

مهم در نحوه انتخاب سبک زندگی اسلامی برای افراد جامعه است. و بخش از احادیث نورانی امام رضا علیه السلام و سبک و سیره آن حضرت، نشان می‌دهد که امام علیه السلام برای حکمران اسلامی اوصاف و ویژگی‌هایی همچون عدالت، صداقت و وفای به عهد و پیمان را بیان داشته و وجود این اوصاف را برای او و دیگر کارگزاران جامعه اسلامی و در راستای ترویج عدالت ورزی و اعتماد مردم به نظام سیاسی اسلامی و نزول برکات و آسایش عموم مسلمانان در قلمرو حکومت اسلامی، امر لازم و ضروری، بر شمرده است. امام رضا علیه السلام حکمران اسلامی را به ستون خیمه تشبیه نموده و عمل به عهد را که در شکل دهی سبک زندگی مترقی اسلامی، نقش اساسی داشته و از سنت‌هایی مهم نبوی محسوب می‌شود، همواره برای حکمران اسلامی، امر لازم دانسته و روی این آموزه‌ای مهم دینی تأکید ورزیده است؛ زیرا عموم مردم برای برآورده شدن نیازهایشان به حکمران عادل، مراجعه نموده و چنین حکمران دلسوز و وفادار است که، لحظه از خدمت به خلق غفلت نورزیده و با رفتار عادلانه و وفای به عهد، زمینه رفاه و آسایش را برای آنان در شکل‌گیری سبک زندگی سالم اسلامی فراهم می‌کند.

هم‌نشینی با محرومان و افراد رنج دیده، از دیگر محورهای مهم در سبک زندگی آن امام رئوف علیه السلام بوده و خود نیز دارای چنین سبک زندگی بوده و کمک به مستمندان را، تکلیف الهی برای حکمران اسلامی و دیگر توانمندان در جامعه دینی دانسته است. امام رضا علیه السلام انسان را در اختیار نحوه سبک زندگی در جامعه آزاد و مختار دانسته و عمل به وصیت و سخنان آنان را در شکل دهی سبک زندگی سالم اسلامی، امر ضروری بر شمرده است و در بخش دیگری از سخنانش، هم‌کاری با دستگاه حکمران جائر را، در صورتی که همراه با یاری رساندن به قشر رنج دیده و گره‌گشایی از کار آنان در سبک زندگی اسلامی باشد، بلامانع دانسته است. آن حضرت، به حکمران اسلامی و افراد متمکن، سفارش نموده است که سبک زندگی آنان در سطح زندگی افراد مستمند بوده و همانند آنان، از زندگی بدون آرایش و مؤمنانه برخوردار باشند.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹) معجم مقاییس اللغة، تحقیق، عبد السلام محمد هارون، بیروت، دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.  
اربلی، علی بن عیسی (۱۴۳۳) کشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، چاپ اول.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹) وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، چاپ اول.

حرانی، ابومحمد (۱۳۹۳) تحف العقول عن آل الرسول، قم، انتشارات آل علی، چاپ شانزدهم.

حکیمی، سید محمد (۱۳۹۲) معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (المفردات فی غریب القرآن،

شیخ انصاری، محمد امین (۱۴۱۴) رسائل الفقهیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.

شیخ صدوق، محمد بن علی (بی تا) عیون أخبار الرضا، بیروت، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات،

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۴) الخلاف فی الاحکام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲) تلخیص الشافی، قم، انتشارات المحبین، چاپ اول.

شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳) الأمالی، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

ویژگی‌های حکمران اسلامی با تکیه بر آیات قرآن و سبک زندگی امام رضا علیه السلام ۲۵

---

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶) *علل الشرایع*، نجف اشرف، انتشارات المكتبة الحیدریة و مطبعتها.

عطاردی، شیخ عزیز الله (۱۴۰۶) *مسند الامام الرضا علیه السلام*، مشهد، نشرآستان قدس رضوی، چاپ اول.

علامه حلی، یوسف بن مطهر، *مختلف الشیعة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین،

علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷) *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۹۹۶) *العین*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶) *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر، چاپ دوم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷) *الكافی*، تهران، تصحیح و تعلیق، علی أكبر الغفاری، دار الکتب الإسلامیة، چاپ سوم.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.

محقق نائینی، محمد حسین (۱۳۸۲) *تبییه الامه و تنزیه المله*، تحقیق، سید جواد ورعی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۹۸۷) *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول.

